

زنان پیامبر

۱- خدیجه دختر خویلد بن اسبن عبدالعزی (خیر النساء العالمین). محمد وقتی ۲۵ ساله بود با کارگزار خود خدیجه که زنی ثروتمند بود ازدواج کرد و از همراهی کردن کاروانهای تجاری خدیجه به زندگی مرفه و آرامی رسید. خدیجه کاروان ها و تجارت خود را با استفاده از غلامان اداره می کرد. وی در زمان ازدواج با محمد ۲۵ ساله ۴۰ سال داشته است. میل فراوان زن عرب به بودن بامرد در خدیجه هم پنهان کردنی نیست. در عربستان غلام و کنیز در اختیار کامل صاحبش می باشد و هرکاری با او مجاز است. همانطور که می دانیم مورخین عرب و شیعه حتا تلاش کرده اند روابط محمد با برکه (کنیز محمد) که بعد ها به ام ایمن مشهور شد را پنهان سازند و این کنیز را که بسیار زیبا بود را پیرزنی فرتوط قلمداد کنند. خدیجه هم غلامی داشته است بنام زید که بسیار تنومند بوده ولی سن او در تاریخ مشخص نشده است. گاهی هم تلاش کرده اند زید را بچه غلامی نا بالغ قلمداد کنند. این امر نمی تواند با بسیاری از واقعیات و شواهد برابر باشد بنابراین فقط میتوان گفت این شخص (زید) می توانسته ده سال از محمد جوانتر (۱۵ ساله) باشد. زیرا در تاریخ آمده است «زید ده سال از محمد جوانتر بود» [کتاب تاریخ ادیان جواد مشکور برگ ۲۹۶]. خدیجه مرد دوست که اختیار جوان ۱۵ ساله بالغ در خطه عربستان را داشته به دلیل همان سنت و اعتقاد ها زید کاملا به او حلال بوده و اختیار همخوابی با او مجاز می دانسته. خدیجه ثروت مند نمی توانست فرزندی که از زید غلام دردل داشت را پنهان کند و نمی توانست با آن شهرت و ثروت فرزند خود را از یک غلام بداند بنابراین محمد را که از خانواده قریش و با سنی مناسب بود ولی فقط فقط مالی و کارگزاری خدیجه را داشت بعنوان فرزند خود انتخاب می کند.

جالب توجه است بدانیم که خدیجه پیش از محمد دو شوهر داشته و از هر کدام از آنها یک فرزند داشته است. آنگاه که محمد مبعوث می شود ۴۰ سال داشته است و فاصله بین ۲۵ سال زمان ازدواج خدیجه با محمد، تا چهل سالگی محمد ۱۵ سال خواهد بود بنابراین خدیجه ۴۰ ساله در زمان بعثت ۵۵ ساله خواهد بود که زنی یانسه و عقیم بوده است.

در تاریخ طبری جلد چهارم، برگ ۱۲۸۸ آمده است «خدیجه برای محمد هشت فرزند آورد، قاسم، طیب، طاهر، عبدالله، زینب، رقیه، ام کلثوم، و فاطمه» میدانیم فاطمه آخرین فرزند خدیجه و محمد پنج (۵) سال پیش از بعثت دنیا آمده است. اگر خدیجه در سن های بین ۱۰-۱۵ سالگی با شوهر اولش و سپس با شوهر دومش ازدواج کرده باشد در فاصله بین ۱۵ تا ۴۰ سالگی که بیست و پنج (۲۵) سال می شود خدیجه فقط دو فرزند (یک فرزند از هر شوهر) داشته ولی در مدتی کمتر از ۱۵ سال هشت (۸) فرزند برای محمدی که در آن زمان به او «ابتر = دم بریده، عقیم، ناتوان جنسی» لقب داده بودند داشته باشد؟

در کتابی بنام «زنان پیامبر» نوشته عماد الدین حسین اصفهانی، که در دوران جمهوری اسلامی توسط نشر محمد منتشر شده در چاپ هفتم بهار ۱۳۷۰ در برگ ۳۱۴ می نویسد:

«علی ابن احمد کوفی، در کتاب الاستقائه فی بدیع الثلاثه نوشته است؛ سه دختر، زینب، رقیه، وام کلثوم، دخترانه هاله خواهر خدیجه بوده اند و پدرشان مردی بنام بنی مخزوم بود، هاله که از دنیا رفت سرپرستی آنها به خدیجه رسید».

محمد پس از ازدواج با خدیجه موجباتی فراهم میکند که کنیز خودش «برکه = ام امین پسین» با عبید خزرجی غلام خدیجه ازدواج کند و پسری حاصل این ازدواج دو کارگزار خدیجه و محمد بوده است.

چون بعثت و دستورات قرآن در باره چند همسری بسیار دیرتر از زمان ازدواج محمد و خدیجه بوده بنابراین محمد قادر به داشتن چند همسر در آن دوران را نداشته است. اگر به فرض محال هم امکان داشت محمد به دلیل کارگزاری خدیجه پول کافی ویا امکان کافی و جرات این کار را نداشته است. تا زمانی که خدیجه بیمار شده و در می گذرد محمد فقط یک همسر داشته و پس آن به قدرت و با همیاری «الله» محمد دوران پر همسری را اختیار میکند.

محمد پس از مرگ خدیجه، به سرعت ثروت وی را از دست داد. گفته می شود خدیجه اصرار به ازدواج با محمد داشت زیرا از زید غلام خود باردار بود و نگران بود خانواده اش از این امر آگاه شوند و موجب گرفتاری شود. گذشته از آن خدیجه که از یک فامیل قریش ثروتمند بود نمی خواست پدر فرزندش یک غلام بوده باشد.

- صحیح بخاری ۱۶۴۱۶۵: ۵ (برگ ۱۰۳) ۱۶۸: ۵ برگ ۱۰۵
- تاریخ طبری جلد ۳۹ برگ ۳
- صحیح بخاری جلد ۶۰۵: ۴ برگ ۳۹۵
- صحیح بخاری جلد ۱۶۸: ۵ برگ ۱۰۵
- صحیح مسلم ۵۹۷۱: ۴ (برگ ۱۲۹۷)

۲- **فاخته (ام هانی) - ابوطالب** فرزندی داشته بنام فاخته (هند) که بدلیل اینکه پدرش هرگز اسلام نیاورد او نیز مسلمان نبود. ولی همانند دیگران از حامیان پسر عموی خود محمد بود. در آن زمان هنوز آیه ۲۲۱ سوره بقره در باره پرهیز از ازدواج با زنان مشرک نازل نشده بود. و برای ازدواج محمد با فاخته که بت پرست بود اشکالی نبود. میدانیم که ابوطالب پدر علی به روایت دیگر (عبدمناف) که بنده بتی بنام مناف بود تا آخر عمر بت پرست باقی ماند. با این وجود زندگی زناشویی محمد و فاخته سه سال دوام داشته است. احتمالاً بدلیل خودداری فاخته از ترک بت پرستی و پیش از فرار محمد از مکه به مدینه از هم جدا شده اند. فاخته پس از محمد بسفارش پدرش با یکی از متعصب ترین بت پرستان بنام هبیره بن عمرو مخزومی ازدواج کرده است و در ظرف ده سال صاحب ۴ فرزند شده است. وی پس از بدنی آمدن فرزند نخستش که نام او را «هانی» گذاشت به (ام هانی) مشهور شد. بنابراین از محمد پیامبر فرزندی ندارد. این یکی از دلایل ابتر بودن و یا عقیم بودن محمد است. می گویند زمانی که محمد مدعی شده به «معراج» رفته است در خانه فاخته بوده. این امر در بسیاری از تاریخ ها آمده فقط برخی نادر از مورخان آغاز معراج را در مسجدالحرام قید کرده اند. که البته هنوز آن موقع (مسجد الحرام) یک بتخانه بوده است. نظامی در شعری می گوید:

شبی رخ تافته زین دیر فانی به خلوت، در سرای ام هانی

ذبیح بهروز ملقب به «ابن دیلاق» معراجیه مشهوری دارد که در قالب طنز به موضوع معراج محمد اشاره دارد.

۳- **سوده دختر زمه بن قیس العامریه (صاحبه الهجرتین)**، زن زیگر محمد بود، سوده بیوه زن (نام همسر پیشین وی سکران بن عمرو بوده است) مسلمانی بود اهل حبشه که پدرش او را به محمد داده بود و محمد قبل از آوردن عایشه به خانه او را به خانه آورده بود. سوده به روایاتی ۵۰ سال سن داشت و محمد برای اداره خانه اش به سوده نیاز داشت. البته سوده در مقابل عایشه نیز همانند یک مادر بزرگ بود. سوده در آخرین سال خلافت عمر از دنیا رفت. عایشه روایت کرده است که سوده برخی اوقات از نوبت خود میگذشت تا پیامبر شب خود را با عایشه بگذراند زیرا سوده هراس داشت مبدا محمد وی را بخاطر سن بالایش طلاق دهد. پیامبر در حالی با سوده ازدواج کرده بود که تقریباً چاره و امکان دیگری برای ازدواج نداشت زیرا قبیله قریش او را طرد کرده بود و در آن سالها ازدواج کردن با فرزندان عبدالمطب و بنی هاشم بر ضد مفاد عهدنامه ای بود که منجر به شعب ابیطالب شد بنابراین این محمد از روی اجبار با سوده ازدواج کرد. محمد از این زن هرگز صاحب فرزندی نشد.

- تاریخ طبری جلد ۳۹ برگ ۱۶۹.
- ابو داوود جلد ۲۱۳۰: ۲ برگ ۵۷۲
- صحیح بخاری جلد ۳۱۸: ۶ برگ ۳۰۰
- تاریخ طبری جلد ۹ برگ ۱۲۸
- صحیح مسلم جلد ۲۹۵۸: ۲ (برگ ۶۵۱)
- صحیح بخاری جلد ۳۲۶۹: ۳ (برگ ۱۵۴) جلد ۸۵۳: ۳ (برگ ۲۹)
- صحیح مسلم جلد ۳۴۵۱: ۲ (برگ ۷۴۷)
- بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۲

۴- عایشه دختر ابوبکر صدیق (افقه نساء العالم) ، محمد وقتی عایشه ۶ ساله بود با وی ازدواج کرد و در سن ۹ سالگی با او آن هنگام که خود ۵۳ سال داشت همبستر شد. محمد عایشه را از تمام زنان خود بیشتر دوست داشته است. مهمترین واقعه ای که در زمان زندگانی محمد و در سال ششم هجرت (فرار از مکه) رخ داد داستان عملی شرم آور بود که همگان بر آن آگاهند. شواهد موجود عایشه را در انجام آن کار گناهکار می دانند وحتا خود عایشه، حضرت محمد و پدر و مادر او هم این عقیده را داشته اند. اما «الله» در این مورد دخالت می کند (!!!) و با دلایلی نظر مردم «نادان» را که فکری علیل وقلبی ضعیف دارند را بی ربط و مسخره آمیز قلمداد میکند و با خنده و استهزا عایشه را بی گناه قلمداد میکند. ابن اسحق اولین نویسنده ای است که در این باره از زبان «عایشه» نوشته است. این مورد در کتاب سیرت رسول الله با انشای رفیع الدین اسحق بن محمد همدانی جلد ۲ برگ های ۷۸۵-۷۹۴ هم آمده است. تاریخ نویسان اسلامی همه متفق القول هستند که محمد پیامبر خدا شبی را بدون زن به بستر نمی رفتند لذا حتا در غزوه هاو جنگ هایکی یا چند همسر محمد هم با کجاوه ها یا (هودج) همراه لشگریان بوده اند. صفوان جوانی پرقدرت بوده که گویا مسئولیت حمل غنایم جنگی که با قبیله بنی المصطلق رخ داده بود را بعهده داشته است. عقب ماندن صفوان از لشگریان به گونه های گوناگون نوشته شده است. ولی اصرار براینکه عقب ماندن او به دلیل بازدید محل و خاطرجمعی از بازماندن زن، کودک ویا غنایم نه مصلحت و نه عقلانی و نه ضروری بود زیرا همه در حال حرکت بودند و چنین ماموریتی با عقل درست در نمی آید. بدون تردید «عایشه» دلیل عقلی عقب ماندن صفوان و عایشه بوده است. علی پس از آگاهی به محمد اعتراض کرده است و پس از شرح واقعه درخواست کرده عایشه را طلاق بدهد. اگر علی دلایلی برای اینکارنداشت چنین پیشنهادی به محمد نمی کرد. عایشه که تعمدش از عقب ماندن از اردو ثابت شده است، با حق هق و گریه اعلام کرده در آن شب که از غافله عقب مانده اند بین او و صفوان چیزی نگذشته است. بدنبال این قضایا آیه شماره ۲ و ۵ سوره نور نازل شده است (کسانی که زنان پاکدامن را متهم میکنند. سپس چهار شاهد برادعای خود نمی آورند آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید و آنان فاسقان هستند؛ مگر کسانی که پس از آن توبه کنند و جبران نمایند که خداوند غفور و رحیم است) به عبارت دیگر با آمدن این آیه عملا مجازات زناکاران تعلیق به محال شده است. در مقابل آن کسانی که دونفر را در حال زنا ببینند و نتوانند آنرا ثابت کنند جرمان هشتاد ضربه شلاق است.

عایشه جوانترین همسر محمد بود. وی به روایتی در سالهای ۵۸،۵۹ پس از فرار (هجرت) در دوران معاویه، در مدینه در گذشته است. با اینکه تمام مورخان این تاریخ و تعبیر را تکرار می کنند وادعا دارند او مورد علاقه محمد بوده است و در مدت ۹ سالی که مرتبا با محمد بوده است و بیش از هر زن دیگر مورد استفاده محمد بوده. با وجود این هرگز از این دختر باکره (!) صاحب فرزندی نشد.

- صحیح مسلم جلد جلد ۲ : ۳۳۱۱، ۳۳۱۰، ۳۳۰۹، صفحه ۷۱۵ و ۷۱۶
- صحیح بخاری جلد ۷: ۸۸، برگ ۶۵
- بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۲

۴- ام سلمه دختر امیه بن المغیره، زن یکی از مسلمانان به نام "ابوسلمه بن ابوالاسد" بود که در جنگ احد زخم مهلکی برداشته بود و در نهایت کشته شده بود. ام سلمه در هنگام ازدواج با محمد ۲۹ سال سن داشت و محمد ۵۳ سال سن داشت. ام سلمه از کلیه زنان محمد بیشتر عمر کرد و پس از همه آنها وفات یافت. ولی هرگز از این زن صاحب فرزندی نشد.

- ابو داوود جلد ۱: ۲۷۴، برگ ۶۸ جلد ۲: ۴۷۴، برگ ۱۳۳۲ جلد ۲: ۲۳۸۲، برگ ۶۵۴
- سنن نساء جلد ۱. no.240 برگ ۲۲۸
- ابن ماجه جلد ۳: ۱۷۷۹، برگ ۷۲
- تاریخ طبری جلد ۳۹، برگ ۸۰.
- صحیح مسلم جلد ۲: ۲۴۵۵، برگ ۵۴۰
- بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۳

۵- حفصه دختر عمر بن الخطاب، در سن ۱۸ سالگی شوهر خود خنیس (ابن عبدالله) بن حذافه السهمی را از دست داده بود و بیوه شده بود. حفصه در هنگام ازدواج با محمد ۲۰ سال سن داشت و محمد ۵۵ ساله بود. در احادیث موجود

است که بعد از اینکه ابوبکر و عثمان از ازدواج با وی سر باز زدند، محمد به دلایل سیاسی پذیرفت که با وی ازدواج کند. حفصه نیز از حافظان قرآن حساب می‌شود و نسخه عثمان از قرآن با همکاری وی تهیه شده بود. هرگز برای محمد فرزندی نیاورده است.

- . ابن ماجه جلد ۲۰۸۶: ۳: برگ ۲۵۸
- . ابو داوود جلد ۲۴۴۸: ۲: برگ ۶۷۵ جلد ۵۰۲۷: ۳: برگ ۱۴۰۲.
- . صحیح مسلم جلد ۲: ۲۶۴۲: برگ ۵۷۶ جلد ۲: ۲۸۳۳: برگ ۶۲۵ جلد ۲: ۳۴۹۷: برگ ۷۶۱
- . بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۲

۶- زینب دختر جحش الاسديه؛ ازدواج زینب دختر جحش از بحث برانگیزترین ازدواجهای محمد است.

- صحیح مسلم جلد ۲: ۲۳۴۷ (برگ ۵۱۹) جلد ۲: ۳۳۳۰ (برگ ۷۲۳۷۲۴) جلد ۲: ۳۳۳۲ (برگ ۷۲۵) جلد ۲: ۳۴۹۴ (برگ ۷۶۰)
- صحیح بخاری جلد ۳: ۲۴۹ (برگ ۱۳۸) جلد ۳: ۸۲۹ (برگ ۵۱۲) جلد ۴: ۶۸۸۳ (برگ ۱۴۹۳) ابو داوود جلد ۳: ۴۹۳۵ برگ ۱۳۷۷-۱۳۷۸ جلد ۱: ۱۴۹۸.
- بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۳

۷- جویریة دختر حارث بن ابوضرار (اعظم النساء برکه)، محمد در سن ۵۸ سالگی با جویریة که ۲۰ سال سن داشت ازدواج کرد. جویریة دختر رئیس قبیله بنی المصطلق، یکی از قبایل یهودی متعددی بود که محمد به آنها حمله کرده بود. شوهرش مالک بن صفوان بود و در حمله ناگهانی که محمد به این قبیله کرده بود کشته شده بود. او از شوهر پیش فرزند داشت. محمد از جویریة درخواست ازدواج کرد و جویریة قبول کرد به شرط اینکه اسرای باقیمانده از این جنگ آزاد شوند و غنایم بدست آمده به صاحبان باقیمانده از این جنگ بازگردد. از جویریة به عنوان "زنی بسیار زیبا" در بسیاری از تواریخ یاد شده است، ابن اسحق میگوید جویریة از زیبایی شگفت انگیزی بهره می برد، بطوری که هیچ مردی قدرت نداشت در برابر زیبایی وی مقاومت کند. و رابطه او با محمد به شدت عواطف عایشه را تحریک کرده بود و عایشه از دیدن او در عذاب بود. جویریة ۶ سال زن محمد بود و بعد از محمد نیز ۳۹ سال زندگی کرد و در سن ۶۵ سالگی درگذشت. ولی هرگز محمد از او صاحب فرزندی نشد

- . ابن اسحق سیرت الرسول، برگ ۷۲۹
- . ابو داوود جلد ۳: ۴۹۳۵ برگ ۱۳۷۷-۱۳۷۸
- . صحیح بخاری جلد ۸: ۲۱۲ (برگ ۱۳۷)
- . ابو داوود جلد ۱: ۱۴۹۸ برگ ۳۹۲.
- . صحیح مسلم جلد ۲: ۲۳۴۹ برگ ۵۲۰
- . صحیح بخاری جلد ۳: ۷۱۷ (برگ ۴۳۱-۴۳۲)
- . بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۴

۸- ام حبیبه، رمله دختر ابوسفیان بن الحرب، ابوسفیان رئیس قبیله قریش، قدرتمندترین مرد مکه بود. ام حبیبه که همراه با شوهرش عبیدالله ابن جحش از اولین کسانی بودند که مسلمان شده بودند و به حبشه رفته بودند تا پادشاه حبشه را به اسلام دعوت کنند. اما عبید الله ابن جحش الاسدی در حبشه مسیحی شد و از ام حبیبه طلاق گرفت، نام اصلی ام حبیبه رمله بوده است. پیامبر اسلام از راه دور از پادشاه حبشه خواست تا ام حبیبه را به زنی او در آورد، ام حبیبه تا ۶ سال بعد نتوانست محمد را ببیند زیرا نمیتوانست به مدینه برگردد. ام حبیبه در هنگام ازدواج با محمد ۲۹ سال سن داشت و محمد ۵۴ سال. محمد امیدوار بود ازدواجش با ام حبیبه نظر ابوسفیان دشمن درجه یک اسلام را تغییر دهد اما چنین اتفاقی نیفتاد. محمد از ام حبیبه فرزندی ندارد

- . صحیح مسلم جلد ۲: ۱۵۸۱: برگ ۳۵۲ جلد ۲: ۳۵۳۹: برگ ۷۷۶

- ابن ماجه جلد ۳۹۷۴: ۵ برگ ۳۰۲ .
- صحيح مسلم جلد ۳۴۱۳: ۲ برگ ۷۳۹ جلد ۲۹۶۳: ۲ برگ ۶۵۲ .
- بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۲ .

۹- صفیه دختر حی بن اخطب النضری، صفیه در هنگام ازدواج با محمد ۱۶ سال و محمد ۶۰ سال سن داشت. صفیه دختر حی بن اخطب رئیس قبیله بنی نضیر، از قبایل یهودی مدینه بود که محمد به آن حمله کرد و آنها را مجبور کرد از مدینه خارج شوند و هرچه قابل نقل کردن است با خود ببرند و باقی اموال را برای مسلمانان باقی بگذارند. شوهر قبلی او کنان بن ربیع بود که توسط مسلمانان در همان جنگ کشته شد. شوهر وی توسط مسلمانان به دلیل اینکه مکان مخفی کردن جواهراتش را افشا نمیکرد شکنجه و در نهایت به دستور پیامبر کشته شده بود، و پیامبر همان شب با صفیه ازدواج کرد و با وی همبستر شد. او ۴ سال با محمد زندگی کرد و بعد از مرگ محمد ۳۹ سال زندگی کرد. ولی هرگز برای محمد فرزندی نیاورد

- تاریخ طبری ۳۹ برگ ۱۸۵ .
- صحيح بخاری ۲: ۶۸ و ۱۴۳۲۸۰: ۴ .
- بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۴ .

۱۰- میمونه دختر حارث الهلالیه از فرزندان عبدالله بن هلال بن عامر بن صعصعه، میمونه در زمان ازدواج با محمد ۳۶ سال سن داشت (برخی روایات وی را ۳۰ ساله خوانده اند) و محمد ۶۰ ساله بود. نام شوهر پیشین او ابی سبره بن ابی دهمر بوده است گرچه با شوهرش فرزندی آورده با این وجود محمد با او در مدینه ازدواج کرده است. میمونه خواهر ناتنی زن دیگر محمد بود. میمونه ۳ سال با محمد زندگی کرد و پس از محمد در سن ۸۰ سالگی از دنیا رفت، یعنی ۴۴ سال بیوه ماند. وی هرگز فرزندی برای محمد نیاورد

- تاریخ طبری جلد ۸. برگ ۱۳۶ .
- صحيح مسلم جلد ۱۶۷۵: ۱۶۷۱: ۱ برگ ۳۶۸-۳۶۹ جلد ۱۶۷۲: ۲ برگ ۳۶۹ .
- بحا الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۴ .

۱۱- فاطمه دختر سربخ

- تاریخ طبری جلد ۹. برگ ۳۹ .

۱۲- هند دختر یزید

- صحيح مسلم جلد ۴۲۵۱: ۳-۴۲۵۴ برگ ۹۲۸-۹۲۹ .

۱۳- عصما دختر سیاء

- تاریخ طبری جلد ۱۰. برگ ۱۸۵ .

۱۴- زینب دختر یزید

- تاریخ طبری جلد ۷. برگ ۱۵۰ .
- تاریخ طبری جلد ۳۹. برگ ۱۶۳-۱۶۴ .

۱۵- قتیلہ دختر قیس و خواهر اشعث، با پیامبر ازدواج کرد اما پیش از اینکه پیامبر به او دخول کند پیامبر درگذشت، بعد از مرگ محمد عکرمه بن ابی جهل با او ازدواج کرد.

• تاریخ طبری جلد ۹. برگ ۱۳۸

• بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۴

۱۶- اسماء دختر نعمان بن شراحیل ملا محمد مجلسی در مورد این زن نوشته است وقتی وی را نزد محمد آوردند عایشه و حفصه نسبت بوی حسادت کردند و وی را فریب دادند که ازدواجش با محمد انجام نگیرد. به این صورت که به وی گفتند اگر مایل است توجه محمد را به خود جلب کند باید به محمد بی اعتنای کند، عصما وقتی محمد را دید به او گفت "من فکر میکنم باید از دست تو به الله پناه ببرم" محمد برانگیخته شد و گفت "من فکر میکنم باید به خانواده ات پناه ببری"

• مجلسی، حیات القلوب یا زندگی حضرت محمد، جلد دوم، صفحه ۵۹۷

• بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۴

۱۷- فاطمه دختر صحاک، ملا محمد باقر مجلسی نوشته است وقتی آیات ۲۸ و ۲۹ احزاب نازل شد، فاطمه تصمیم گرفت راه اول را انتخاب کند و از محمد جدا شود.

• مجلسی، حیات القلوب یا زندگی حضرت محمد، جلد دوم، صفحه ۵۹۷

• بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۴

۱۸- ماریه (قبطیه) دختر شمعون قبطی، که مقوقس از مصر به عنوان کنیز برای حفصه فرستاده بود، گرچه پیامبر از هیچ همسرش صاحب فرزندی نشده است ولی در روایات آمده است، وی از پیامبر باردار شد، [[معلوم نیست این فرزند واقعی محمد باشد زیرا محمد عقیم بود]] نام او را ابراهیم نهادند، دوسال زیست و بمرد. [[همین نشان از عقیم بودن محمد است و چون فرزند دو ساله نمی تواند اثری از خود بجای بگذارد، برای نشان دادن باوروری محمد این بهانه در تاریخ ها آمده است]] ماجرای ماریه نیز از ماجراهای بحث برانگیز زندگی محمد است. ماریه کنیز (برده) حفصه بود که بعنوان هدیه به او داده شده بود.

• تاریخ طبری جلد ۳۹. برگ ۱۹۴

۱۹- ریحانه دختر زید قرظی از اسرای بنی قریظه بود که سهم محمد از غنایم جنگی بود. ریحانه هرگز حاضر نشد اسلام بیاورد و حتی پیشنهاد محمد مبنی بر ازدواج با وی را نیز قبول نکرد و تصمیم داشت نه اسلام بیاورد و نه با محمد ازدواج کند. و وی تا آخر عمر تن به برده بودن و کنیزی در بیت محمد داد اما حاضر نشد مسلمان شود و یا با محمد ازدواج رسمی کند.

• تاریخ طبری جلد ۳۹. برگ ۱۶۴-۱۶۵

• تاریخ طبری جلد ۱۳. برگ ۵۸.

۲۰- ام شریک دوسیه، نام اصلی او غزیه (غزیه نیز آورده شده است) بوده است و خود را به رسول الله بخشیده است. دختر دودان بن عوف بن عامر بوده است و پیش از ازدواج با محمد با ابی العکر بن سمی الازدی ازدواج کرده بو و صاحب فرزند بود ولی با محمد هرگز فرزندی بدینیا نیاورد!.

• بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۲

۲۱- صنعا یا سبا دختر سلیم، زنی بود که پیش از آنکه پیامبر با او همبستر شود او مرد.

۲۲- قضیه دختر جابر از بنی کلاب، زنی بود که به محمد گفت مرا به تو داده اند و به من خبر ندادند، پس از محمد طلاق خواست و محمد او را طلاق داد..

• تاریخ طبری جلد ۹. برگ ۱۳۹

۲۳- زینب دختر خزیمه الهلالیه از پسران عبد مناف بن هلال بن عار ابن صعصعه (ام المساکین) بود که بعد از کشته شدن شوهرش "عبیده بن حارث بن عبدالمطلب" در جنگ بدر قبول کرد که با محمد ازدواج کند اما ۸ ماه بعد از این ازدواج از دنیا رفت. او را "ام المساکین" (مادر مستمندان) نامیده اند. او برای محمد فرزندی نیاورد.

. بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۳

۲۴- دختر خلیفه الکلبی و خواهر دحیه بن خلیفه، به خانه آوردش و در خانه پیامبر مرد

۲۵- عالییه دختر ظبیان از بنی بکر بن زنی بود که محمد با وی ازدواج کرد اما بعد از مدتی وی را طلاق داد.

. تاریخ طبری جلد ۹. برگ ۱۳۸

. تاریخ طبری جلد ۳۹. برگ ۱۸۸

. بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۴

۲۶- قوتیله بنت قیس بن معدی کرب و خواهر اشعث بن قیس، پیامبر او را به زنی اختیار کرد اما هنوز او را ندیده بود که مرد. برخی نیز گفته اند محمد او را طلاق داد.

۲۷- خوله بنت الهذیل از بنی حاریث که طلاق گرفت.

۲۸- لیلی بنت الخطیم پیر زنی بود از قبیله بنی خزرج .

. بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۴

۲۹- ام هانی دختر ابوطالب، وی بهانه آورده بود که بچه دار است و باید از بچه اش نگهداری کند. لذا پیشنهاد محمد را رد کرد. جالب توجه است که پس از مروری در تاریخ برای مخفی نگاه داشتن عقیم بودن و بدون دنباله بودن (ابتر بودن) محمد زنانی را که هرگز بچه نیاورده اند را یا کوتاه مدت و یا به بهانه طلاق باطل نشان داده اند.

۳۰- ضباعه دختر عامر بن قرط، که پیغمبر او را از پسرش بخواست اما پسرش به پیامبر گفت مادرم پیر است و پیامبرمنصرف شد. به توضیح بالا توجه کنید

۳۱- صفیه دختر بشامه عنبری که از اسرای بود که به دست مسلمانان افتاده بود، محمد او را بخواست اما شوی باز آمد و چون زنش را میخواست مسلمان شد تا زنش بر او حرام نگردد. پیامبر از او پرسید من را خواهی یا شویت را؟ صفیه گفت شویم را.

۳۲- ام حبیبه دختر عباس بن عبدالمطلب، پیغمبر او را به زنی خواست، عباس گفت یا رسول الله او با تو شیر خورده است. محمد از زنانی که با او شیرخورده بودند و درواقع طبق قوانین اسلام خواهر محمد بحساب می آیند هم گذشت نمی کرد. افراط در زن گرفتن و ولع او بدلیل عقیم (ابتر) بودن محمد بوده است.

۳۳- جمره دختر حارث بن ابی حارثه، محمد او را از حارث بخواست، حارث به دروغ به پیامبر گفت بدن او پیسی دارد و تورا شایسته نیست. این بچه معنی آمده است. اگر بیمار بود چطور محمد درخواست ازدواج می کرد. اگر ازدواج نکرده پس چرا جزو زنان محمد بحساب می آید.

. سایر موارد موجود در تاریخ

۳۴- محمد زنی که نامی از وی باقی نمانده است را طلاق داد زیرا وی چشم چرانی میکرد و به مردانی که از مسجد خارج میشدند زیر چشمی نگاه میکرد. به شیوه نگارش تاریخ طبری توجه کنید

. تاریخ طبری جلد ۳۹. برگ ۱۸۷

۳۵- ملیکه اللیثیه ، محمد با او ازدواج میکند با او همبستر نمیشود و او را طلاق میدهد. باز هم چون فرزندی از آنها نیست داستان طلاق آمده است.

. بحار الانوار جلد ۲۲ برگ ۲۰۴

۳۶- ملیکه دختر کعب به مدت کوتاهی با محمد ازدواج کرد، عایشه از وی پرسید آیا می‌خواهی شوهری داشته باشی که شوهر قبلی تو را کشت؟ وی به خدا از محمد پناه برد و محمد وی را طلاق داد.

. تاریخ طبری جلد ۳۹. برگ ۱۶۵

۳۷- شنباء دختر عمر الغفریه، مردم قبیله او با قبیله بنی قریظه هم پیمان بودند، وقتی داستان مردن ابراهیم فرزند محمد شایع شد؛ وی به محمد گفت اگر تو پیامبر راستینی میبودی فرزندی نمی‌مرد. محمد بعد از اینکه با او همبستر شد وی را طلاق داد. ولی هرگز فرزندی از محمد در شکم شنباء بوجود نیامد!

. تاریخ طبری جلد ۹. برگ ۱۳۶

۳۸- ملانکه دختر داوود زن دیگری بود که با محمد ازدواج کرد اما پس از اینکه فهمید محمد پدرش را کشته است، از وی جدا شد. باز هم اثری از فرزند در این ازدواج در تاریخ یافت نمی‌شود

. تاریخ طبری جلد ۳۹. برگ ۱۶۵

۳۹- عمیره دختر یزید که محمد وی را طلاق داد زیرا وی به جذام مبتلا شده بود. دیگر رسولان از جمله عیسی با جذامیان بسیار خوش رفتاری می‌کند محمد کسانی را کی پیسی دارند یا جذام دارند را ترد می‌کند

. تاریخ طبری جلد ۳۹. برگ ۱۸۸